

## علامه ماحوزی؛

### محدثی فرزانه

### از بحرین

#### معرفی

#### «الأربعون حديثاً في اثبات

#### امامة امير المؤمنين (ع)»

علی راد

درآمدی بر مدرسه حدیثی بحرین

مدرسه حدیثی بحرین دیرینه ای همپای با محدثان آن دیار دارد و آوازه آن از صدر اسلام با نام بزرگانی چون رشید هجری از اصحاب امیرالمؤمنین، محمد بن سهل بحرانی از اصحاب و راویان امام صادق (ع) و دیگر دانشیانی که به بحرانی شهره اند، پیوندی دیرپای دارد. خود منطقه بحرین نیز از مراکز سنتی تشیع اثنی عشری بوده و محدثان و فقیهان پرشماری از آن برخاسته اند. نمایاندن پیشینه تاریخی این مدرسه حدیثی شیعه، چگونگی شکل گیری دانش حدیث در آن دیار، آغازین محدثان، نخستین آثار، رویکردهای اخباریگری و ده ها نکته دیگر پرسش هایی اند که یافتن پاسخ دقیق به آنها می تواند در برنمودن تاریخ حدیث شیعه و دیگر دانش های اسلامی بسیار مفید و رهگشا باشد و در شناساندن مدارس حدیثی شیعی و گستره تاریخی، جغرافیایی و گفتمان های علمی آن سرزمین پژوهشیان را مدد رساند،<sup>۱</sup> دغدغه ای که آن را به نوعی ملا عبدالله تبریزی، صاحب ریاض العلماء در شناساندن رجال آن دیار با خود داشت، لکن تمام نیافت.<sup>۲</sup>

در این میان علامه ماحوزی که از محدثان، رجال شناسان و فرزندگان گمنام این مدرسه بوده، خود در چند اثر خویش همت بر آن داشته تا با نگارش تراجمی چون علماء البحرين و جواهر البحرين في علماء البحرين ضمن معرفی فرزندگان آن سرزمین جایگاه و آثار عالمان آن جا را گزارش نماید و تا حدی نقطه های آغازین این حرکت را بازتابد. از این روی آثار رجالی و حدیثی علامه ماحوزی ضمن این که می توانند ما را در این هدف یاری رسانند، خود نمونه عینی بر این مدعایند که مدرسه حدیثی بحرین از محدثان زبردستی برخوردار بوده که بیشتر از این نیازمند تحقیق و پژوهش هستند. به این منظور در پژوهش حاضر به معرفی علامه ماحوزی محدث بزرگ بحرینی و آثار او به ویژه اربعین کار دقیق حدیثی او در موضوع امامت پرداخته ایم.

۱. زیستنامه علامه ماحوزی بحرانی (۱۱۲۱-۱۰۷۵ق)

الف) نامواره و زادروز

ابوالحسن شمس الدین سلیمان بن عبدالله بن علی بن حسن بن احمد بن یوسف بن عمار بحرانی سترای ماحوزی دونجی در نیمه رمضان المبارک ۱۰۷۵ق در روستای دونج از دهستان های

۱. ناگفته نماند کارهایی پراکنده در این موضوع سامان یافته است، ولی چون وحدت رویه در آنها رعایت نشده زیاد کارگشا نیستند، برای نمونه بنگرید به مجموعه مقالاتی چند در: دائرةالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۲۰؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۱۸؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۸۲-۳۸۷ و ۴۰۱-۴۰۷.

۲. فهرست آن بابویه و علماء بحرین، تحقیق سید احمد حسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی، ص ۶۷ (اول)، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.

ماحوز بحرین دیده به جهان گشود. چون نیاکان وی از روستاهای ستره بودند سترای نیز خوانده شده است. وی در هفدهم رجب ۱۲۱۱ ق دیده از جهان فرو بست. بدن وی را در روستای دونج در کنار قبر شیخ میثم بن المعلی جد شیخ میثم بحرانی در خاک نهادند.<sup>۳</sup>

### ب) دوران دانش اندوزی و اساتید

وی از او ان کودکی به دانش اندوزی علاقه و آفری داشت و مترصد فرصتی برای خوشه چینی از خرمن عالمان دیار خویش بود. نخست یادگیری قرآن را در زادگاه خود آغازید و توانست در سن هفت سالگی قرآن را حفظ نماید. ده ساله بود که به آموزش رسمی علوم روی آورد.<sup>۴</sup> دوران تحصیلات وی در این مقطع را در حجر (نزدیک یمامه) گزارش کرده اند. پس از تحصیل علوم مقدماتی نزد دانشیان برجسته بحرین زانوی ادب بر ساحت دانش نهاد و خوشه چین خرمن علم آنها شد. فقه، حدیث، مناظره از مهمترین تحصیلات وی در این دوران بوده است. وی در طول درس با اساتید خویش به بحث و مباحثه عمیق می پرداخت و با صغر سن مطالبی محققانه و عالمانه عرضه می داشت که بیانگر تحقیقات و بررسی ها دقیق و ظریف در دوران تحصیل بود، همین تکاپوی علمی باعث شد در اندک زمانی میان دانشیان شهره به تحقیق گشت و قدم در اقیانوس پر گوهر دانش نهاد و در جوانی فقیهی صاحب رأی شد و در همان آغاز راه کتاب های ارزشمندی را تألیف کرد.

از این میان محدثان و فقیهانی چون شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی، شیخ سلیمان بن علی بن راشد ماحوزی و شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی علمایی بودند که در تکوین شخصیت علمی وی تأثیر مهمی گذاشتند.<sup>۵</sup> به غیر از بحرین به سایر بلاد اسلامی از جمله اصفهان و شیراز مسافرت کرد و با دانشیان آن سرزمین ها به تبادل دانش پرداخت. در سفر به اصفهان بود که با علامه مجلسی آشنا شد و تصمیم گرفت زبان فارسی را برای استفاده از کتب تألیف یافته به این زبان فرا بگیرد و در این راه موفق هم شد. مهمترین اساتید وی عبارتند از:

شیخ احمد بن محمد بن یوسف بن صالح خطی بحرانی؛ شیخ جعفر بن الشیخ علی بن سلیمان قدمی؛ شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بن راشد بن ابی ظبیه الأصبعی؛ شیخ صالح بن عبدالکریم کرزکائی؛ شیخ محمد بن احمد بن ناصر حجری؛ شیخ محمد بن ماجد بن مسعود مسعودی ماحوزی؛ شیخ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی؛ سید هاشم بن سلیمان بن اسماعیل کتکانی.

### پ) شاگردان و آثار

علامه ماحوزی مدرسی مشهور و استادی زبردست بود، از این رو جماعتی از علما و فضیای بحرین در کلاس درس او حاضر می شدند. درس حدیث و رجال وی بیشتر از درس دیگر وی شرکت کننده داشته و مقبول طالب علمان بوده است. البته غیر از آن دو شرح صحیفه سجادیه نیز از جمله جلساتی بوده که همیشه مملو از دانشیان بوده است. شاگردان برجسته وی را چنین گزارش کرده اند:

شیخ احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن عصفور درازی؛ شیخ احمد بن الشیخ عبدالله بن حسن بن جمال بلادی؛ شیخ حسن بن عبدالله بن علی ستری ماحوزی؛ شیخ حسین بن الشیخ محمد بن جعفر ماحوزی؛ شیخ عبدالله بن صالح بن جمعة سماهیچی؛ سید عبدالله بن علوی عتیق الحسین غریفی بلادی؛ شیخ عبدالله أبو الجلابیب بن الشیخ علی بن احمد بلادی؛ سید علی بن ابراهیم بن علی بن ابراهیم آل ابی شبانه موسوی منوی؛ شیخ محمد بن یوسف بن کتبار ضبیری نعیمی؛ سید میر محمد حسین خواتون آبادی؛ شیخ محمد رفیع بیرمی اللامی؛ شیخ یوسف بن علی بن فرج منوی؛ شیخ یوسف بن محمد علی العین داری.

موضوعاتی که علامه ماحوزی در آنها به تألیف پرداخته، مختلف و متنوع هستند لذا تنوع موضوعی از ویژگی های ایشان در حوزه تألیف است. او در مدت عمر کوتاهی که داشت آثاری بس وزین، دقیق و جامع در عصر خویش به قلم آورد. تنها درنگی کوتاه در شناسه آثار و عناوین آنها خود به خوبی بیانگر این مطلب خواهد بود. پاره ای از آنها در حدیث، برخی در رجال،

۳. برای آگاهی بیشتر از زیستنامه وی بنگرید: زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۱۲۸؛ اعیان الشیمة، ج ۷، ص ۳۰۳؛ انوار البدرین، ص ۱۵۰؛ تنفیح المقال، ج ۲، ص ۶۳؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۶؛ لؤلؤة البحرین، ص ۴۷؛ مستدرک وسائل الشیمة، ج ۳، ص ۳۸۸؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۲۶۸؛ منتهی المقال، ص ۱۵۰؛ مصفی المقال فی مصفی علم الرجال، ص ۱۸۸؛ سید احمد حسینی، تلامذة المجلسی، ص ۲۹ (چاپ اول)، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۰۸-۳۱۰ (مقاله بحرانی سلیمان بن عبدالله).

۴. انوار البدرین، ص ۱۵۲.

۵. سید احمد حسینی، تلامذة المجلسی، ص ۲۸.

علی مشرق الشمسین للشیخ البهائی؛ ۲۳. التعليقة على المعالم؛ ۲۴. التعليقة على وجيزة العلامة المجلسي؛ ۲۵. تنبيه النائم؛ ۲۶. جواب السؤال عن مسألة البداء؛ ۲۷. جواب السؤال عن جواز التولي عن الجائر؛ ۲۸. جواهر البحرين؛ ۲۹. الدر التنظيم في التوكل والرضا والتفويض والتسليم؛ ۳۰. دقائق الأسرار؛ ۳۱. ديوان أشعاره؛ ۳۲. ذخيرة يوم المحشر في فساد نسب عمر؛ ۳۳. الرسالة السبعة السيارة؛ ۳۴. الرسالة الشمسية في رد الشمس لمولانا أمير المؤمنين (ع)؛ ۳۵. الرسالة الصلاة العملية؛ ۳۶. الرسالة الصومية؛ ۳۷. الرسالة ضوء النهار؛ ۳۸. الرسالة الغراء في أسرار الصلاة؛ ۳۹. الرسالة في آداب البحث؛ ۴۰. رسالة في الاحبار والتكفين؛ ۴۱. رسالة في أحوال أجلاء الأصحاب؛ ۴۲. رسالة في الأدناس؛ ۴۳. رسالة في استحقاق المنتسب بالام الى هاشم الخمس؛ ۴۴. رسالة في الاستخارات؛ ۴۵. رسالة في استقلال الأب بالولاية على البكر البالغ الرشيد في التزويج؛ ۴۶. رسالة في اعراب تبارك الله أحسن الخالقين؛ ۴۷. رسالة في أفضلية النسيخ على الحمد في أخيرتي الرباعية وثلاثة المغرب؛ ۴۸. رسالة في إيمان أبي طالب (ع)؛ ۴۹. رسالة في البئر والبلوعة؛ ۵۰. رسالة في تحريم الارتماس دون نقضه للصوم؛ ۵۱. رسالة في تحقيق كون الوضع جزء من السجود؛ ۵۲. رسالة في جواز تحليل أحد الشريكين الأمة لصاحبه؛ ۵۳. رسالة في جواز التطيب بالزباد؛ ۵۴. رسالة في جواز تقليد الميت؛ ۵۵. رسالة في جواز الحكومة الشرعية؛ ۵۶. رسالة في جواز خلو الزمن من الفقيه؛ ۵۷. رسالة في حرمة تسمية صاحب الزمان عليه السلام؛ ۵۸. رسالة في حكم الحدث أثناء الغسل؛ ۵۹. رسالة في خواص يوم الجمعة، أنهى الخصوصيات الى ست ومائتين خصوصية؛ ۶۰. رسالة في الرد على من استبعد بقاء المهدي (ع)؛ ۶۱. رسالة في سبب تساهل الأصحاب في أدلة السنن؛ ۶۲. رسالة في شرح كلمة لا اله الا الله؛ ۶۳. رسالة في الطلاق البدلي؛ ۶۴. رسالة في طلاق الغائب؛ ۶۵. رسالة في العدالة؛ ۶۶. رسالة في عدم جواز السهو على النبي (ع)؛ ۶۷. رسالة في علم المناظرة؛ ۶۸. رسالة في الغيبة؛ ۶۹. رسالة في الفجر الصادق؛ ۷۰. رسالة في فضائح بني امية؛

۶. فهرست آل بابويه و علماء بحرین، تحقیق سید احمد حسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی، ص ۷.  
۷. رسالة الفرائض از تألیفات خواجه طوسی در موضوع ارث بوده که علامه ماحوزی آن را شرح نموده است، وی از این کتاب در اربعین یاد کرده است، به ص ۴۷۰ رجوع کنید.  
۸. این اثر در سال ۱۴۱۲ق به همراه معراج اهل الکمال به چاپ رسیده است.

ادبیات عرب، کلام، فقه، اصول، شعر، اخلاق و غیره به قلم آمده است.

پردازش به خلافت شیعه و دیگر مذاهب اهل سنت در فقه و عقاید از وجوه برجسته نگاشته های اوست و قریب به یقین در این موارد بسان عالمی دانا و آگاه درخشیده است. اندکی توجه به اربعین حدیث راستی این مدعا را روشن خواهد کرد. برخی از این آثار در قالب رساله و برخی دیگر در قالب کتاب تألیف شده اند. آثار در دسترس وی همیشه روزگار در نزد دانشیان از اعتبار علمی بالایی برخوردار بوده و از مراجع آنان بوده است.<sup>۶</sup> تراث پژوه معاصر استاد رجایی - که خدای توفیقش را در تحقیق و نشر آثار شیعی فزون نماید- تعداد ۱۲۰ اثر مخطوط، مفقود و چاپ شده از علامه ماحوزی گزارش نموده که متأسفانه فقط شمار اندکی از این همه در دسترس پژوهشیان است. عمده نگاشته های وی به شکل دستینه و آن هم در گوشه ای از کتابخانه های شخصی رنگ و بوی عزلت به خود گرفته اند و افسوس که اطلاعات درستی از کم و کیف دقیق آنها در میان نیست. حال که سخن بدین جا کشید جهت سپاس از زحمات استاد رجایی در تهیه شناسه آثار علامه ماحوزی و همچنین اطلاع بیشتر خوانندگان نمایه عناوین آثار وی را از مقدمه ایشان بر اربعین می آوریم:

۱. أجوبة مسائل الشيخ ناصر الجارودي؛ ۲. الأربعون حديثاً في اثبات امامة أمير المؤمنين علي (ع)؛ ۳. أزهار الرياض؛ ۴. الاشارات؛ ۵. أعلام الأنام بعلم الكلام؛ ۶. اقامة الدليل في نصرته الحسن بن أبي عقيل في عدم نجاسة الماء القليل؛ ۷. أنوار الهدى في مسألة البداء؛ ۸. ايضاح الغوامض في شرح رسالة الفرائض<sup>۷</sup>؛ ۹. ايقاظ الغافلين؛ ۱۰. البرهان الفاطح؛ ۱۱. بلغة المحدثين في الرجال<sup>۸</sup>؛ ۱۲. تعريب رسالة في الرد على العامة في الامامة؛ ۱۳. التعليقة على الاثني عشرية لصاحب المعالم؛ ۱۴. التعليقة على اربعين الشيخ البهائي؛ ۱۵. التعليقة على الاستنبصار؛ ۱۶. التعليقة على تلخيص الأقوال للاستريادي؛ ۱۷. التعليقة على تهذيب الأحكام؛ ۱۸. التعليقة على خلاصة الأقوال للعلامة الحلي؛ ۱۹. التعليقة على رجال ابن داوود؛ ۲۰. التعليقة على مباحث الامامة من المواقف؛ ۲۱. التعليقة على مدارك الأحكام؛ ۲۲. التعليقة

خویش در علوم بوده است. او با منزلت علمی بالایی که داشت به ریاست دینی بحرین نائل شد و به «بلاد القديم» مرکز دانشیان و بزرگان بحرین منتقل شد.<sup>۱۵</sup> با این که نام و نشان وی در میان رجالیان آن دیار شناخته تر است، محققان عرصه فقه، حدیث و رجال او را به فرزاندگی و استواری در دانش ستوده اند. علامه الزمان و نادره الأوان،<sup>۱۶</sup> الفاضل الكامل المحقق المدقق الفقیه النبیه نادر العصر والزمان،<sup>۱۷</sup> مولانا العالم الربانی والمقدس الصمدانی،<sup>۱۸</sup> علامه العلماء الأعلام و حجة الاسلام و شیخ المشائخ الكرام، اولی النقض والایرام، المحقق المدقق العلامة الثاني<sup>۱۹</sup> از جمله القابى اند که رجالیان در پاسداشت مقام علمی وی گفته اند. همچنین علامه خوانساری در روضات وی را می ستاید:

وبالجملة فهذا الشيخ المتبحر الجليل من أعظم علماء الطائفة و أجلاء فقائها و حسب الدلالة على غاية فضيلة الرجل و امتيازها في القابلية والاستعداد و جودة القرينة من بين قاطبة الأمثال والأقران، مسلميته عندهم و شهرته لديهم بالتمامية، مع قصر العمر و نقصان البقاء.<sup>۲۰</sup>

محدث جلیل شیخ حسین نوری نیز چنین درباره او می نگارد:

۹. این رساله کوچک در کتابخانه آیت الله مرعشی چاپ شده است: فهرست آل بابویه و علماء بحرین، تحقیق سید احمد حسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی، ص ۷۹-۳۱.
۱۰. پیشین، ص ۶۵-۷۹.
۱۱. از این کتاب در اربعین یاد کرده است ر. ک: شیخ سلیمان ماحوزی، الأربعون حديثاً، ص ۴۸۰.
۱۲. این اثر به تحقیق آقای رجایی در سال ۱۴۱۲ ق به چاپ رسیده است.
۱۳. این اثر غیر از مناسک پیشین بوده و رساله ای مختصر در آداب حج می باشد.
۱۴. این رساله کوچک در در کتابخانه آیت الله مرعشی چاپ شده است: فهرست آل بابویه و علماء بحرین، تحقیق سید احمد حسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی، ص ۸۱-۹۷.
۱۵. شیخ یوسف بحرانی، لؤلؤة البحرين، ص ۷.
۱۶. همان.
۱۷. وحید بهبهانی، التعلیقة على منهج المقال، ص ۱۳.
۱۸. أبوعلی الحائری، منتهی المقال، ص ۱۰۵.
۱۹. شیخ علی بلادی، أنوار البدرین، ص ۱۵۰.
۲۰. روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۱.

۷۱. رساله في القرعة ۷۲. رساله في محمد بن اسماعيل؛
۷۳. رساله في الشيخ محمد بن علي الصدوق؛ ۷۴. رساله في محمد بن علي بن ماجيلويه؛ ۷۵. رساله في مقدمة الواجب؛
۷۶. رساله في نجاسة أبوالدواب الثلاث؛ ۷۷. رساله في واجبات الصلاة و ما لا بد منه؛ ۷۸. رساله في وجوب الذكر في سجدتي السهو؛ ۷۹. رساله في وجوب الطهارات الثلاث لغيرها خصوصاً الجنابة؛ ۸۰. رساله في وجوب صلاة الجمعة؛
۸۱. رساله في وجوب غسل يوم الجمعة؛ ۸۲. رساله في وجوب القنوت؛ ۸۳. رساله في وجود الكلي الطبيعي؛
۸۴. الرساله المحمدية؛ ۸۵. الرساله المنطقية و شرحها؛
۸۶. الرساله النحوية؛ ۸۷. السر المكتوم في حكم تعلم النجوم؛ ۸۸. السلافة البهية في الترجمة الميشمية؛ ۸۹. الشافي في الحكمة النظرية؛ ۹۰. شرح اثنا عشرية البهائي؛ ۹۱. شرح الباب الحادي عشر؛ ۹۲. شرح تهذيب الاصول؛ ۹۳. شرح خطبة الاستسقاء؛ ۹۴. شرح حديث نية المؤمن خير من عمله؛
۹۵. الشهاب الثاقب في الرد على النواصب؛ ۹۶. شهادة الأعداء لسيد الأولياء؛ ۹۷. شروق الانوار؛ ۹۸. صوب سوط صوب النداء في تحقيق البداء؛ ۹۹. العشرة الكاملة في الاجتهاد والتقليد؛ ۱۰۰. غاية الطالب في اثبات الوصية لعلی بن أبي طالب (ع)؛ ۱۰۱. فحائل الاعجاز في التعمية والالغاز؛
۱۰۲. فهرست آل بابويه و أحوالهم؛ ۱۰۳. فهرست علماء بحرین؛ ۱۰۴. الفوائد الحسان في أخبار صاحب الزمان (ع)؛
۱۰۵. الفوائد النجفية؛ ۱۰۶. قوة الاحياء في تلخيص الاحياء؛
۱۰۷. كشف القناع عن حقيقة الاجماع؛ ۱۰۸. كنه الصواب و فصل الخطاب في أحكام أهل الكتاب والصاب؛ ۱۰۹. مجمع المناقب؛ ۱۱۰. المسائل الخلافية في الحج؛ ۱۱۱. معراج أهل الكمال الى معرفة أحوال الرجال؛ ۱۱۲. مناسك الحج؛
۱۱۳. مناسك الحج؛ ۱۱۴. منظومة في علم الكلام؛
۱۱۵. ناظمة الشتات فيما يستحب تأخيرها عن أوائل الأوقات؛
۱۱۶. نظم الباب الحادي عشر؛ ۱۱۷. نفخة العبير في طهارة البير؛ ۱۱۸. النكت البديعة في فرق الشيعة؛ ۱۱۹. النكت السنية في المسائل المازنية في النحو؛ ۱۲۰. هداية القادين الى اصول الدين؛ ۱۲۱. البيواقيت في لعن الطواغيت؛
۱۲۲. التعلیقة على شرح الدراية للشهيد الثاني؛ ۱۲۳. رساله في الرؤية؛ ۱۲۴. جواهر البحرين في علماء البحرين. ۱۴

#### ت) مکانت ماحوزی از منظر دانشیان

علامه ماحوزی در میان دانشیان حدیث و رجال بحرین از چهره های ممتاز این عرصه به شمار می آید و از سرآمدان روزگار

استفاده مؤلف را استخراج و در پانویست ارجاع دهد. ایشان اختلاف نسخه ها را با علائم اختصاری در پانویست گوشزد کرده است. محقق محترم کتاب را اثری سودمند و نگاشته ای نیکو برای دانشوران خوانده است.<sup>۳۱</sup>

پانویست های کتاب توضیحات تفصیلی و سودمند در تبیین بیشتر و بهتر مطالب و موضوعات گفته شده در کتاب می باشد که در پایین هر صفحه با نشانه عددی از متن اصلی کتاب ممتاز شده است. شایان ذکر است بیشترین پانویست ها از مؤلف بوده و محقق محترم آنها را از پانویست های خویش با عبارت «منه» نمایانده است. علامه ماحوزی در پانویست ها به مسائل ادبی،<sup>۳۱</sup> رجال شناسی،<sup>۳۲</sup> یادداشت های توضیحی،<sup>۳۳</sup> نقدها و ردها و نکاتی دیگر از این قبیل پرداخته است.

این اثر دارای دیباچه و فرجامه ای کوتاه از مؤلف است. در دیباچه ضمن حمد و ثنای الاهی و درود بر پیامبر اسلام و خاندان وی به معرفی خویش پرداخته و خداوند را به سبب هدایت به صراط مستقیم اهل بیت سپاس گفته است. در ادامه به چگونگی سامان گرفتن کتاب اشاره نموده و چنین نگاشته که به هنگامه مطالعه آثار استوار و مهم اهل سنت به احادیث پرشماری برخورد نموده که جملگی بر امامت و خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) تصریح داشته اند، بر جلالت و عظمت منزلت ایشان گویا بودند و چنان شمارشان فراوان بود که یادسپاری آنها از توان ذهن تیزبین نیز بیرون بوده، از باب تمسک به روایت نبوی «من حفظ علی امتی أربعین حدیثاً مما یحتاجون الیه فی امور دینهم، بعثه الله

۲۱. الفیض القدسی (نشر یافته در بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۹۱)؛ مستوری الواسط، ج ۳، ص ۳۸۸.
۲۲. شیخ سلیمان ماحوزی، الأربعون حدیثاً، ص ۲۰.
۲۳. همان، ص ۸-۱۶.
۲۴. همان، ص ۱۶.
۲۵. همان، ص ۱۰، به نقل از دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۰۹ (مقاله بحرانی، سلیمان بن عبدالله).
۲۶. انوار البدرین، ص ۱۵۲.
۲۷. سید احمد حسینی، نلامة المجلسی، ص ۲۸.
۲۸. اطلاعات تکمیلی شناسه کتاب از این قرار است: الشیخ سلیمان الماحوزی البحرانی، الأربعون حدیثاً، تحقیق السید مهدی الرجائی، اول، قم، ۱۴۱۷ق، ۵۰۰ص.
۲۹. همان، ص ۲۱.
۳۰. همان، ص ۲۰.
۳۱. همان، ص ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۵ و ۴۰.
۳۲. همان، ص ۲۹ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۵ و ۷۱ و ۷۳.
۳۳. همان، ص ۲۹ و ۳۲.
۳۴. برای آگاهی از نقل های دگر آن بنگرید: علامه متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ شیخ صدوق، خصال، ص ۵۴۱ و ۵۴۴.

«الشیخ الجلیل العلامة الربانی الزاهد الورع التقی المحقق المدقق»<sup>۲۱</sup>.

شیخ یوسف داری از دیگر شاگردانش می گوید: «قطب دائرة اعیان الاعیان و عمدة العلماء علی الاطلاق فی هذا الزمان و خلیفة خلفاء أئمة الرحمان، شیخنا و مفیدنا و استاذنا و امیرنا و رئیسنا»<sup>۲۲</sup>.

علامه طبع شعری لطیف و ظریفی داشته و اشعار فراوانی در مناقب و مصائب خاندان نبوی سروده که جملگی آنها را شاگرد بزرگوارش سید علی آل ابی شیبانه با اشاره آن بزرگوار در دیوان مستقلی جمع آوری نمود. برخی از اشعارش در اذهار الریاض، مرآة علی الحسین، انوار البدرین و اعیان الشیعة آمده است. محقق محترم از بیون حدیثاً نمونه های دلنشینی از آنها را در مقدمه خود نقل نموده است.<sup>۲۳</sup> به بعد شاعرانه وی شاگردش شیخ عبدالله سماهیجی چنین اشاره نموده است: «علامة فی جمیع الفنون، حسن التقرير، عجب التحریر، خطیباً، شاعراً موهباً»<sup>۲۴</sup>.

وی با نوشتن العشرة الكاملة فی الاجتهاد و التقليد که پیرامون ده مسأله اصولی آن را سامان داده است، سرسختی خویش را در طرفداری از روش اجتهاد اصولی نمایانده است، لکن به گفته شیخ یوسف بحرانی در نگاشته های اخیر وی تمایلی به اخباریگری هم دیده می شود.<sup>۲۵</sup>

وی از عالمان بزرگ عرب و عجم<sup>۲۶</sup> از جمله از علامه سید هاشم بحرانی و علامه مجلسی اجازه نقل حدیث داشته<sup>۲۷</sup> و به بزرگان دیگری نیز اجازه روایی داده است.

۲. معرفی «الأربعون حدیثاً فی اثبات امامة امیر المؤمنین (ع)»

### الف) ساختار کلی

الأربعون حدیثاً فی اثبات امامة امیر المؤمنین (ع) به زبان عربی است و آقای سید مهدی رجائی با تحقیقی از روی خط دستینه های اثر با شمارگان تقریبی ۴۸۰ صفحه قطع وزیری و در هزار نسخه به سرمایه خود در قم به چاپ رسانده است.<sup>۲۸</sup> آقای رجائی ضمن گزارش دستینه های موجود از این اثر در ایران،<sup>۲۹</sup> زحمت تحقیق و استنساخ و تطبیق نسخه های آن را بر عهده گرفته و با دقتی فراوان توانسته جملگی منابع مورد



عزوجل يوم القيامة فقيهاً عالماً»<sup>۳۴</sup> چهل حدیث از غرر آنها را انتخاب و با جرح و تعدیل بدانها پرداخته است. در پایان دیباچه اثر را به ابوالمظفر شاه سلطان حسین اهدا نموده است.<sup>۳۵</sup>

در فرجامه به زمان تألیف کتاب اشاره نموده که آن را در سوم ذیقعدة سال ۱۱۰۶ ق به پایان رسانده است.<sup>۳۶</sup> فهرستی اجمالی در شش صفحه از مطالب کتاب و موضوعات پرداخته شده در آن در پایان اثر آمده است. به نظر می رسد که فهرست مذکور را خود محقق کتاب تنظیم نموده است. درباره نام اثر باید بیفزایم که در برخی منابع کتاب شناسی مدارج الیقین فی شرح الاربعین آمده که از حیث محتوا هیچ تفاوتی با عنوان منتخب در این پژوهش ندارد، و انگهی محقق محترم در مقدمه این نام را نادرست خوانده و اربعون حدیثاً را قول صحیح در این باره گفته است.<sup>۳۷</sup>

در اصل متن اولیه کتاب از عنوان بخشی به مطالب خالی بوده، ولی این کاستی را محقق اثر جبران نموده و عناوین احادیث را داخل علامت [ ] در آغاز هر حدیث نمایانده است. مؤلف در قالب الحدیث بحث را آغازیده و احادیث را با شمارگان ترتیبی از هم جدا ساخته است، مثل الحدیث الخامس عشر [حدیث الغدیر]. مؤلف به رویه دانشیان پسین مطالب مهم و اساسی را ذیل عناوینی چون تبصرة، جوهره، تنبیه، ختام، تسمیم، المقام، جوهره فاخرة، فائدة، تکمیل، اکمال و قطع اشکال، تحقیق حال و تفصیل اجمال، جوهره سنیه و حکایه بیهة و عناوینی دیگر از این قبیل گنجانده است.

### ب) ساختار محتوایی

کتاب از نگاهشته های ارزشمند روایی شیعی است که در موضوع اثبات امامت بلافضل امام علی بن ابی طالب (ع) سامان پذیرفته و مؤلف آن - که خود یکی از استواران در دانش های اسلامی به ویژه حدیث و رجال بوده - چهل حدیث از احادیث اهل سنت را که دلالتی تام و روشن بر اثبات امامت و خلافت آن حضرت پس از پیامبر اسلام دارد، گرد آورده و به مدد این روایات به نقد نگره ناصواب آنان در این موضوع پرداخته است. البته اطلاق عنوان چهل حدیث بر این کتاب شاید از باب مجاز و به تبع اسم آن باشد، چرا که در حقیقت و واقع امر، یک مجموعه دقیق روایی انباشته از احادیث پُر شمار است که در نوع خود کم بدیل و بی نظیر می باشد. نمایه کلی عناوین چهل حدیث آمده در این اثر از قرار ذیل است:

ص ۲۸: الحدیث الأول [حدیث من کنت مسولاه فعلى

مولاه]، ص ۳۴: الحدیث الثانی [قوله (ص) هؤلاء حامتی و اهل بیتی]، ص ۳۵: الحدیث الثالث [نزول آیه التظهير فی أصحاب الکساء (ع)]، ص ۶۷: الحدیث الرابع [حدیث الثقلین]، ص ۷۳: الحدیث الخامس [قوله (ص) مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح]، ص ۷۴: الحدیث السادس [حدیث السفینه]، ص ۷۸: الحدیث السابع [حدیث المنزلة]، ص ۹۲: الحدیث الثامن [عهد النبی (ص) الی علی (ع) سبعین عهداً لم یعهده الی غیره]، ص ۹۳: الحدیث التاسع [ما ورد عن النبی (ص) فی محبة اهل بیته (علیهم السلام)]، ص ۱۰۹: الحدیث العاشر [قوله (ص) أنا حرب لمن حاربتم و سلم بمن سالمتم]، ص ۱۰: الحدیث الحادي عشر [قوله (ص) علی مع القرآن و القرآن معه]، ص ۱۱۳: الحدیث الثاني عشر [علی (ع) سید المؤمنین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین]، ص ۱۱۶: الحدیث الثالث عشر [علی (ع) عصایوم القیامة یدود بها المنافقین عن الحوض]، ص ۱۱۷: الحدیث الرابع عشر [قوله (ص) علی وصی فی عترتی و اهل بیتی و امتی من بعدی]، ص ۱۳۹: الحدیث الخامس عشر [حدیث الغدیر]، ص ۱۷۱: الحدیث السادس عشر [نزول آیه (انما ولیکم) فی شأن علی (ع)]، ص ۱۸۷: الحدیث السابع عشر [المناقب الثمانية لعلی (ع)]، ص ۲۳۱: الحدیث الثامن عشر [جریان سفینه نوح ببرکه أسماء أصحاب الکساء]، ص ۲۳۳: الحدیث التاسع عشر [حدیث المؤاخاة]، ص ۲۴۰: الحدیث العشرون [التصریح بالخلافة فی کلام الرسول الأعظم (ص)]، ص ۲۴۳: الحدیث الحادي والعشرون [ما ورد فی محبة الامام علی (ع) و اهل بیته (علیهم السلام)]، ص ۲۴۵: الحدیث الثاني والعشرون [قوله (ص): علی قائد الغر المحجلین]، ص ۲۷۷: الحدیث الثالث والعشرون [قوله (ص): علی رایة الهدی و امام اولیاء و نور من أطاعنی]، ص ۲۸۲: الحدیث الرابع والعشرون [المناقب الثلاثة لعلی بن ابی طالب (ع)]، ص ۳۱۷: الحدیث الخامس

۳۵. شیخ سلیمان ماحوزی، الأربعون حدیثاً، ص ۲۳ و ۲۷.

۳۶. همان، ص ۴۸۲.

۳۷. همان، ص ۱۹.



و من خاصف النعل یا رسول الله؟ قال: انظری، فنظرت فإذا هو علی بن ابی طالب<sup>۴۰</sup> چنین می نویسد: «همان طوری که ملاحظه می کنی این روایت نص در امامت آن بزرگوار بوده و به هیچ روی قابل تأویل به غیر آن نیست»<sup>۴۱</sup>.

همچنین در پی اخبار باب محبت اهل بیت (ع) همانند «عن فاطمة، قالت: خرج علينا رسول الله (ص) عشية عرفة و قال ان الله عزوجل باهي بكم و غفر لكم عامة و لعلی خاصة و انی رسول الله اليكم غير محاب لقرباتی، ان السعيد كل السعيد من أحب عليا في حياته و بعد موته»<sup>۴۲</sup> می آورد: اخبار بدین معنا در حد تواتر نقل شده و جملگی گویای امامت و خلافت آن حضرت هستند.<sup>۴۳</sup>

هر چند ظاهر و عنوان اثر چنین می نماید که یک اربعین روایی محض باشد، لکن با مطالعه عمیق اثر روشن می شود که علامه ماحوزی در این اثر بسان متکلمی زبردست و مطلع به سراغ احادیث اهل سنت و شیعه رفته و با ظرافتی دقیق و روشی استوار به نقد انگاره های ناصواب و مغالطه آمیز و ناراستی مخالفان امامت علوی پرداخته است؛ از این رو اثر علاوه بر جنبه حدیثی، صبغه کلامی و اعتقادی دارد و رویکرد فقه الحدیثی و نقد متن الحدیثی آن بسیار برجسته است. هر اهل بینشی اگر به دیده انصاف بر آن بنگرد سخن ما را تأیید خواهد نمود. هر چند مؤلف در این اثر در نقل روایات بمانند محدثان اهتمام داشته رجال و اسناد روایات پیرایه از ضعف و نقد باشد، در نقد متن حدیث ضمن توجه و رعایت اسلوب فقه الحدیث با رویکردی کلامی و برهانی به اثبات منظور خویش پرداخته است، از همین رو تا حد ممکن نخست به منابع و آرای مخالفان تکیه کرده است، مؤلف خود به این جنبه از اثر چنین اشارت دارد:

ثم انی ذكرت فی ذیل أكثرها أخباراً آخر بمعناها و نبهت فی معظمها علی وجه دلالتها و حقیقة مغزها و أطلقت عنان القلم فی بعضها حق الاطلاق و سجلت علی المخالفین فی دفع ترهاتهم الغير الراجحة عند الجهابذة الحدائق.<sup>۴۴</sup>

۳۸. همان، ص ۳۲ و ۱۱۸ و ۱۲۲ و ۲۴۰ و ۲۴۳ و ۲۸۴.

۳۹. همان، ص ۲۴۲.

۴۰. همان، ص ۲۴۰.

۴۱. همان.

۴۲. همان، ص ۲۴۳. در روایت معجم طبرانی افزوده ای چنین دارد: ان الشقی کل الشقی من أبغض علیا فی حياته و بعد موته.

۴۳. شیخ سلیمان ماحوزی، الأریمون حدیثاً، ص ۲۴۳.

۴۴. همان، ص ۲۶.

والعشرون [ورود علی (ع) و شیعتته علی الحوض الکوثر]، ص ۳۱۸: الحدیث السادس والعشرون [مناقب أصحاب الکساء و فضلهم (علیهم السلام)]، ص ۳۶۰: الحدیث السابع والعشرون [الکلمات المكتوبة علی ابواب الجنة و النار]، ص ۳۶۳: الحدیث الثامن والعشرون [التنصیص علی اسماء الائمة الاثنی عشر (علیهم السلام)]، ص ۳۹۳: الحدیث التاسع والعشرون [مماثلته (ع) مع الانبیاء فی الصفات المحمودة]، ص ۳۹۴: الحدیث الثلاثون [عجز البشر عن عد فضائل الامام علی (ع)]، ص ۳۹۵: الحدیث الحادي والثلاثون [توسل آدم (ع) باصحاب الکساء]، ص ۴۰۳: الحدیث الثاني والثلاثون [جوابه (ع) عن اسئلة الشاب اليهودی]، ص ۴۰۵: الحدیث الثالث والثلاثون [حدیث البساط و التسلیم علی اصحاب الکهف]، ص ۴۱۵: الحدیث الرابع والثلاثون [فی تحسیر النبی (ص) من عدم متابعة أصحابه لوصایة علی (ع)]، ص ۴۱۷: الحدیث الخامس والثلاثون [فی حدیث رد الشمس للامام علی (ع)]، ص ۴۳۱: الحدیث السادس والثلاثون [التمسک و الاقتداء بالامام امیر المؤمنین و اولاده المعصومین (ع)]، ص ۴۳۲: الحدیث السابع والثلاثون [حدیث المناشدة و ما فیہ من الدلائل علی امامته]، ص ۴۵۱: الحدیث الثامن والثلاثون [قوله (ص) انا مدینة العلم و علی بابها]، ص ۴۵۳: الحدیث التاسع والثلاثون [سعة علمه (ع)]، ص ۴۵۷: الحدیث الأربعون [ما ورد فی علمه (ع) و انتساب جمیع العلوم الیه (ع)].

از نگاه ماحوزی همگی این روایات نص قطعی بر امامت بلافصل امام علی (ع) داشته و به گونه های متنوعی بر این امر دلالتی صریح و روشن دارند و جای تأویل و قرائت و تفسیری ناهمگون جز آن را بر نمی تابند. وی در سراسر کتاب بر نص و متواتر بودن این اخبار تأکید فراوان نموده و خواننده را بر این نکته گوشزد داده است. ۳۸. برای نمونه در ذیل روایات مشهور به خاصف النعل رأی بر آن دارد که همگی اخبار متضمن این معنا دلالت بر شایستگی حضرت علی (ع) بر مقام امامت دارند، ۳۹. برای مشال ذیل این روایت «عن عائشة، قالت: سألت رسول الله (ص) من الخلیفة بعدک؟ قال: خاصف النعل. قلت:



از آن جا که هدف مؤلف اثباتی و نقد محورانه بوده، به نقل صرف روایات نپرداخته است، چرا که وی پیشتر این هدف را در رساله غایة الطالب فی اثبات الوصیة لعلي بن ابی طالب (ع) که حاوی سیصد حدیث متواتر - که دلالتی صریح و استوار بر وصایت و خلافت امام علی (ع) داشته - است به انجام رسانیده است. وی هر چند در این اثر هم از آن بهره برده، لکن هدفی بس فرازتر از تألیف آن داشته است. ۴۵ وجهی برجسته دیگر اثر بعد امام شناسی آن است که مؤلف مسائل اساسی آن را به شکل شایسته و بایسته در لابه لای کتاب بیان نموده است. این جنبه از کتاب نویسنده را به مباحث کلامی، تفسیری و معرفتی ژرف سوق داده و کتابش را از این حیث نیز در خور اعتنا ساخته است. مباحثی چون وجوب عصمت در امام، ۴۶ حقیقت عصمت، ۴۷ لزوم شناخت امام، ۴۸ حقانیت شیعه دوازده امامی، ۴۹ بررسی نصوص امامت اثنی عشر، ۵۰ امکان ظهور خوارق عادات از ائمه، ۵۱ مهدویت در آینه اخبار فریقین و دفع شبهات، ۵۲ مناقب حضرت علی (ع)، ۵۳ زهراء (س) ۵۴ و امام حسین (ع)، ۵۵ محبت اهل بیت (ع)، ۵۶ علم حضرت علی (ع)، ۵۷ اخبار به امور غیبیه علی (ع) ۵۸ از جمله این موضوعاتند. چون استخراج تمامی دیدگاه‌های وی در این موضوع و پردازش به همگی آنها نیازمند پژوهشی دیگر بود، به همین اختصار بسنده و تفصیل آن را به توفیق الهی به پژوهش‌های دیگر وامی‌نهمیم.

### ۳. روش‌شناسی حدیثی علامه ماحوزی

روش حدیثی علامه ماحوزی در این اثر روشی مزج یافته از نقل و عقل، استوار بر داده‌های تاریخی، بنا شده بر استدلال‌های روشن کلامی و نمونه برجسته‌ای از تبلور عینی فقه الحدیث شیعی می‌باشد. مؤلف نخست روایت‌گزین شده را نقل می‌کند و سند حدیث را کاملاً ذکر می‌نماید و به نام منبع و نویسنده آن و گاه هم به مکان و اصالت علمی آن دو اشاراتی دارد. در ادامه متن حدیث را به نحو تمام آورده و اگر دیگر منابع نقل همگون داشته و در آنها افزوده یا کاستی هم باشد، در پی همان حدیث متذکر می‌شود که در مواردی به ده‌ها روایت می‌رسد. اطمینان‌بخشی به خواننده در نمایاندن فراوانی طرق روایی حدیث و اثبات تواتر معنایی آن هدفی است که وی در این قسمت به دنبال آن بوده و به شایستگی از عهده آن برآمده است. جملگی روایات استناد شده از منابع اهل سنت و صحابه مقبول و از لسان مبارک نبوی می‌باشند.

پس از مرحله نقل وارد شرح و بسط روایت می‌شود که عمده نکات رجالی، ادبی، معنی لغات، تاریخی، عقیدتی و ... را شامل می‌گردد، بیشترین این نکات در پانویس و مقداری هم در متن آمده است. جز در موارد بسیار اندکی، ۵۹ همگی روایات مورد بازکاوی و نقد متن واقع شده است. استنباط پیام روایات و وجه مهم روش وی در این بخش می‌باشد که در همه جا رعایت کرده و بر بیان آن تأکید ورزیده است و آن پیام چنین است که همگی این روایات بر حقانیت امامت بلا فصل علی (ع) دلالتی صریح و استوار دارند. اگر روایت مذکور به موضوعات معرفتی دیگری هم اشارتی داشته باشد آنها را در لابه لای این مباحث و ذیل عناوین خاصی مطرح می‌کند. شاخصه‌های کلی روش شرح الحدیثی وی را چنین می‌توان برشمرد:

- نقل کامل متن روایت.

- اشاره به چگونگی دلالت روایت بر امامت حضرت علی (ع).

- معرفی کتاب منقول عنه و مؤلف آن و اشاره به مکان و وی نزد رجالیان.

- تبیین واژگان دشوار حدیث.

- نقل روایات همگون دیگر که به گونه‌ای افزوده و زیادت

معنایی بر موضوع داشته باشند.

۴۵. همان، ص ۱۲۲.

۴۶. همان، ص ۴۸.

۴۷. همان، ص ۴۸-۶۶.

۴۸. همان، ص ۲۲۳.

۴۹. همان، ص ۳۸۰.

۵۰. همان، ص ۳۶۳.

۵۱. همان، ص ۴۰۸.

۵۲. همان، ص ۲۰۶.

۵۳. همان، ص ۴۵۳.

۵۴. همان، ص ۳۱۳.

۵۵. همان، ص ۳۶۳.

۵۶. همان، ص ۹۳ و ۲۴۳.

۵۷. همان، ص ۴۶۰.

۵۸. همان، ص ۴۸۰.

۵۹. همان، ص ۷۴.



علی (ع) دارند، تشبث نمودن به حشیش واحد بودن آنها دیگر سودی ندارد و اگر متواتر بودن چنین اخباری را نپذیرند دیگر روا نخواهد بود که در هیچ موضوعی به تواتر تمسک جویند.<sup>۶۶</sup> البته ناگفته نماند خبر واحد در نگاه علامه ماحوزی اگر دارای شرایط لازم باشد، حجیت دارد. او ضمن توجه دادن به این نکته که برخی از عالمان شیعی همانند سید علم الهدی و ابن ادریس خبر واحد را موجب عمل نمی دانستند مگر آن که به حد تواتر رسیده باشد،<sup>۶۷</sup> خود در مواردی حجیت آن را پذیرفته و به استناد چنین اخباری رأی داده است.

در بحث اعتبار قرعه در تعیین سهم ارث خنثی مشکله وی ضمن این که قائل است این موارد و همگان از موضوعاتی اند که عقل را در آن راه نبوده و نقل مقطوعی از وجود اجماع، خبر متواتر یا حدیث صحیحی هم در این باره نیست قول به قرعه را با این که منقول به خبر واحد بوده پذیرفته است. وانگهی ادعای اجماع سید علم الهدی، ابن ادریس، شیخ مفید و دیگران در این باره را ناستوار خوانده است.<sup>۶۸</sup>

#### ۴. منابع و مصادر

از ویژگی های برجسته این اثر گستره آگاهی های مؤلف آن از کتب حدیثی، کلامی، اصولی، فقهی، تفسیری اهل سنت، شیعه و آرای مشهور و غیر مشهور دانشیان آنها بوده است. نقل و قول فراوان مؤلف آن از منابع مرجع دانش های مختلف اسلامی بیانگر آن است که وی به این کتاب ها دسترسی داشته و پر شمار از آنان مطلب و نکته های ظریفی به قلم آورده است. بعد کلامی اثر، اقتناع علمای برجسته اهل سنت و نقد آرای آنان

۶۰. همان، ص ۲۷ و ۲۳۸ و ۲۵۴ و ۲۴۵ و ۳۷۲ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۹ و ۴۲۴ و ۴۳۰ و ۴۶۷.

۶۱. همان، ص ۲۳۸.

ای سوره هل آتی شده تاج علی

وی هر دو جهان به علم محتاج علی

آن عرش مجید گشته معراج رسول

وین کتف رسول گشته معراج علی

۶۲. همان، ص ۳۷۶ و ۴۲۴.

۶۳. همان، ص ۴۵۳.

۶۴. همان، ص ۲۵۳.

۶۵. همان، ص ۲۴۶.

۶۶. همان، ص ۲۵۳.

۶۷. همان، ص ۴۶۹، پانوش ش ۳.

۶۸. همان، ص ۴۶۹.

- تطبیق محتوایی روایات با یکدیگر و استنباط و بیان پیام آنها در یک جمله.

- گزارش اقوال و استشهادات دقیق از عالمان اهل سنت در رابطه با محل بحث.

- نقد و بررسی دیدگاه های مختلف مربوط به موضوع.

- توجه به نکات رجالی، تفسیری، مسائل تاریخی و عقیدتی در شرح حدیث.

- استفاده از اصطلاحات تخصصی علوم حدیث.

- استفاده از شعر.

از شعر عمده در استشهاد بر مدعا، گاه در بیان معنای واژگان حدیث و غیر آن در شناساندن پیشینه تاریخی مطلبی از آن بهره جسته است،<sup>۶۹</sup> گاه هم در بیان فضائل و مناقب اهل بیت همانند دویبیتی ای که در بیان کیفیت معراج علوی<sup>۶۱</sup> از شعرای فارسی و دیگران به قلم آورده است.<sup>۶۲</sup>

- توجه دادن به جنبه های ادبی-بلاغی روایات.

در نگ وی در نکته بلاغی روایت «انا مدینه العلم و علی بابها» از گونه توجهات وی در شناخت بلاغت نبوی به هنگامه بیان روایات است. برخی از مخالفان «علی» را در این روایت صفت مشبیه دانسته و گفته اند اسم علم بر شخص نیست و نمی تواند دلالت بر گستره دانش علوی داشته باشد. علامه می گوید چنین تعبیری منافات با بلاغت نبوی دارد.<sup>۶۳</sup>

- توجه دادن به متواتر بودن اخبار در باب امامت حضرت علی (ع).

در نقد نگره اهل سنت که با وجود نصوص قطعی و اثباتگر امامت بلا فصل علی (ع) در کتب و منابع معتبر روایی شان تجاهلان در کثری خویش پای فشرده و به این همه نصوص به بهانه خبر واحد بودن پشت پا زده اند، ضمن بی اساس خواندن این مدعا به رفع این شبهه پرداخته و روایاتی پر شمار از منابع آنان نقل نموده و تواتر معنوی آنها را اثبات کرده است.<sup>۶۴</sup> افزون بر این به نقل از ابن طاووس در البیقین سیصد طریق دیگر بر این گونه روایات از طرق روایی مخالفان وجود دارد<sup>۶۵</sup> که با کثرت وجودی چنین اخباری که همگی تواتر معنایی در امامت بلا فصل

ناگزیر وی را به این مطالعات درازدامن و عمیق از منابع آنها کشانده است.

چون گزارش تمامی منابع مرجع، خواننده را ملال آورد و مقال را به درازا کشاند، از باب مشت نمونه خروار به برخی از منابع مهم وی -چهل اثر- در این کتاب اشاره می‌کنیم تا گستره تحقیق وی و همچنین سعه اطلاعات او در این اثر بیشتر نمایان گردد:

المستنیر محمد بن جریر طبری؛<sup>۶۹</sup> الصحاح الستة رزین العبدی؛<sup>۷۰</sup> صحیح مسلم؛<sup>۷۱</sup> صحیح بخاری؛<sup>۷۲</sup> سنن ترمذی؛<sup>۷۳</sup> سنن نسائی؛<sup>۷۴</sup> غریب الحدیث ابو عید هروی؛<sup>۷۵</sup> مسند احمد بن حنبل؛<sup>۷۶</sup> المستدرک حاکم نیشابوری؛<sup>۷۷</sup> المعجم الاوسط طبرانی؛<sup>۷۸</sup> صواعق المحرقة ابن حجر عسقلانی؛<sup>۷۹</sup> فرائد السمطين حموی؛<sup>۸۰</sup> العاقبة؛<sup>۸۱</sup> مناقب ابن شهر آشوب؛<sup>۸۲</sup> كشف الغمة إربلی؛<sup>۸۳</sup> مناقب خوارزمی؛<sup>۸۴</sup> المناقب ابن مغازلی؛<sup>۸۵</sup> مطالب السؤول شیخ کمال الدین شافعی؛<sup>۸۶</sup> الفصول المهمة ابن صباغ مالکی؛<sup>۸۷</sup> کفاية الطالب شیخ محمد بن یوسف کنجی شافعی؛<sup>۸۸</sup> جامع الاصول ابن اثیر جزری؛<sup>۸۹</sup> بصائر الدرجات؛<sup>۹۰</sup> من لا یحضره الفقیه صدوق؛<sup>۹۱</sup> کشف زمخشری؛<sup>۹۲</sup> تفسیر ثعلبی؛<sup>۹۳</sup> زیدة البیان اردبیلی؛<sup>۹۴</sup> تفسیر متشابهات الآیات ابن شهر آشوب؛<sup>۹۵</sup> اسباب النزول واحدی؛<sup>۹۶</sup> شرح العقائد النسفیة علامه تفتازانی؛<sup>۹۷</sup> التلویح علامه تفتازانی؛<sup>۹۸</sup> العقائد علامه نسفی؛<sup>۹۹</sup> قواعد العقائد خواجه طوسی؛<sup>۱۰۰</sup> نقض كشف الحق و نهج الصدق خنجی؛<sup>۱۰۱</sup> رشح الولاة أسعد بن عبد القادر؛<sup>۱۰۲</sup> معجم البلدان حموی؛<sup>۱۰۳</sup> شرح نهج البلاغة ابن میثم بحرانی؛<sup>۱۰۴</sup> فصل الخطاب و تاریخ الخلفاء سیوطی؛<sup>۱۰۵</sup> حياة الحيوان دمیری؛<sup>۱۰۶</sup> صفوة الصفوة ابن جوزی؛<sup>۱۰۷</sup> رسالة المعراج ابن سینا؛<sup>۱۰۸</sup> شرح الشرائع شهید ثانی<sup>۱۰۹</sup> و ...

##### ۵. ارزیابی نهایی

این اثر در تاریخ حدیث شیعه از منزلت خاصی برخوردار بوده و در موضوع خویش از نگاشته های حدیثی ممتاز قرن دوازدهم ق به شمار می آید، همچنین در شناساندن گفتمان حدیثی شیعه در مسأله امامت نیز می تواند بسیار مفید باشد. فراوانی نقل و قول ها از آثار متنوع نشانگر بهره وری مؤلف آن از آثار مخطوط و مطبوع در روزگار خویش است. از این رو از حیث کتاب شناسی روزگار مؤلف نیز می تواند برای ترات پژوهان اثر در خور توجهی باشد.

تهیه نمایه موضوعات اعلام کتب و فهرست تفصیلی و دقیق موضوعات پرداخته شده در کتاب به کیفیت استفاده از آن خواهد افزود.



۶۹. همان، ص ۲۴۰.  
 ۷۰. همان، ص ۲۴۰ و ۳۸۲.  
 ۷۱. همان، ص ۳۸۱.  
 ۷۲. همان، ص ۳۸۰ و ۳۸۱.  
 ۷۳. همان، ص ۲۴۳ و ۳۷۲.  
 ۷۴. همان، ص ۲۴۳.  
 ۷۵. همان، ص ۲۷۲.  
 ۷۶. همان، ص ۲۳۵ و ۲۳۹ و ۲۴۱ و ۳۹.  
 ۷۷. همان، ص ۳۹.  
 ۷۸. همان، ص ۲۴۳.  
 ۷۹. همان، ص ۲۴.  
 ۸۰. همان، ص ۴۷۰.  
 ۸۱. همان، ص ۲۶۷.  
 ۸۲. همان، ص ۲۵۹.  
 ۸۳. همان، ص ۳۳ و ۲۵۳.  
 ۸۴. همان، ص ۲۳۵.  
 ۸۵. همان، ص ۲۳۶.  
 ۸۶. همان، ص ۲۳۷ و ۳۷۲.  
 ۸۷. همان، ص ۲۳۹ و ۲۴۳.  
 ۸۸. همان، ص ۲۴.  
 ۸۹. همان، ص ۲۵.  
 ۹۰. همان، ص ۵۸.  
 ۹۱. همان، ص ۴۶۷.  
 ۹۲. همان، ص ۳۸۵.  
 ۹۳. همان، ص ۴۵۸.  
 ۹۴. همان، ص ۵۷.  
 ۹۵. همان، ص ۳۸۲.  
 ۹۶. همان، ص ۳۹.  
 ۹۷. همان، ص ۳۷۴.  
 ۹۸. همان، ص ۳۸۷.  
 ۹۹. همان.  
 ۱۰۰. همان، ص ۳۸۹.  
 ۱۰۱. همان، ص ۳۸۷.  
 ۱۰۲. همان، ص ۲۴۵.  
 ۱۰۳. همان.  
 ۱۰۴. همان، ص ۴۱۲.  
 ۱۰۵. همان، ص ۳۸۵.  
 ۱۰۶. همان، ص ۳۸۸.  
 ۱۰۷. همان، ص ۳۷۲.  
 ۱۰۸. همان، ص ۲۳۹.  
 ۱۰۹. همان، ص ۳۸۴.